



باغ های ایرانی

تهیه و تنظیم : مریم فتاحی

داشت که بسیاری از آنها عمومی بوده و همه آنها برای مراسم نوروز گشوده می شدند. باغ ایرانی دارای محوطه های باز بوده و به صورت چهارراه های بزرگی که در میان آنها، آب نمایی برای نوشیدن آب وجود داشت و میدان مرکزی یک پارک بزرگ بود، گرداگرد آن را درختان تبریزی بلند با آلاچیق پوشیده از یاسمن و گل سرخ قرار داشت .

باغ از زمان های قدیم بخش اساسی از زندگی ایرانیان و معماری کشور بوده و در موجودیت آتشکده های بزرگ و تقویت نمادین آنها، سهم داشته است .

از زمان سومریان، باغ، معبد و قصر سلطنتی را احاطه می کرد. ایرانیان به منظور بهره گیری نسبی از منابع آب با قدرت تخیل و ابداع، چاره اندیشی کرده بودند و کاریزهایی عمیق که از ۸۰ الی ۱۲۰ کیلومتر طول داشته، حفر می کردند حتی در ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد آرایش سفال پیش از تاریخ، علاقه شدید به آب و حاصلخیزی را نشان می دهد. این نقش های کهن، همه

پژوهشگران در رشته های مختلف اعتقاد دارند که روحیات و تفکرات انسانها بر محیط زندگی شان تأثیر دارد و همین طور شرایط محیط جغرافیایی، اقلیم و ... نیز بر شیوه معیشت آنان تأثیر گذار می باشد. قرارگرفتن کشور ایران در ناحیه گرم و خشک و کم باران باعث به وجود آمدن شکل تازه ای از معماری، شهر سازی ، هندو.. شده است .ساخت بادگیرها ، حوضهای آب در مرکز بنا، ساخت آبشار و از این نمونه هاست .

علاقه مندی قوم ایرانی به آبادانی، سبزی، طبیعت و... باعث شدتا به ابداع باغ دست بزنند و برخی از پژوهشگران مردم شناسی، جامعه شناسی ، و.. این نظر را دارند که رنگ و طرح های قالبی ایرانی برگرفته از باغ ایرانی می باشدو یکی از اهدافش آوردن طبیعت به محل سکونتش می باشد. آفریننده باغ با تکیه بر دانش تجربی خود، فضایی را ایجاد کرده تا باعث بقاء طبیعت گردد.

هر شهر و قصری در ایران قدیم باغ هایی





باغی که توسط خسرو پرویز پس از هفت سال کار ایجاد شد.

اصلاحی جسورانه و زیبا در محیط بود. در دوران اسلامی، باغ های انبوه کاخ ها را احاطه می کردند و از لحاظ معماری به عنوان بخشی از آن محسوب می شد. به صورتی که باغ تمامی جوانب اصلی را به صورت قرنیه فرا می گرفت. سراسر محوطه به قطعات مستطیلی تقسیم می شد که از میان آنها جوی های کوچکی می گذشت.

این باغ ها به پیروی از پیشینیان ایرانی ساخته می شدند.

از همان سده های نخستین هجری، باغ سازی به شیوه ایرانی به فرانسوی مرزها می رود و به مرور زمان گستره خود را وسیع تر می کند.

باغ های زیبای آندلسی (الحمرا) و باغ های بابر کشمیر نمونه هایی از باغ هایی هستند که تحت تأثیر باغ سازی ایرانی شکل گرفتند.

شیوه باغ سازی در کشورهای شرقی از باغ سازی ایران الهام گرفته است. بابر شاه از شاهان مغولی حاکم بر هند شیوه باغ آرایی ایرانی را به سرزمین هند برد و باغ هایی در آگرا واقع در شمال هند احداث کرد که معدودی از آنها تا به امروز موجود است و سپس جهانگیر یکی از جانشینان وی چندین باغ در منطقه کشمیر ایجاد نمود.

در کتاب تاریخ تمدن - عصر ایمان - ویل دورانت آمده که باغ به سبک ایرانی مورد تقلید سایر ملل نیز قرار گرفت و هم در قرون وسطی موجب الهام اروپاییان گردیده است.

در اروپای قرون وسطایی که در شهرها به باغ عمومی و فضای سبز مفهومی نداشت، بیشتر شهر های ایران در محاصره باغ های سر سبز و انبوه که پناهگاهی برای آسایش ساکنان آنها بوده است و از نظر زیبایی، طراوت و داشتن باغ های بزرگ و بی شمار در دنیای آنروز به خود می بالیدند.

عناصر آن را به صورت واقعی و نمادی، ثبت کرده اند: کوه، ابر، برکه، جنگل، پرندگان آبی و درختان که هدف عمده از آنها دریافت پاسخ مساعد از قدرت های آسمانی بود.

در سفال سامرا، طرح نمونه وار باغ دیده شده است؛ به صورت دو نهر متقاطع با پرندگان و درختان در هر یک از چهار گوشه، در مفرغ های لرستان (حدود هزار سال قبل از میلاد) باز درخت را همراه با آب روان ترسیم کرده اند که مطلوبترین منظره در یک سرزمین خشک است. پس از آب، درختان مهمترین نقش را در شکل گیری باغ ایرانی دارند.

ایرانیان قدیم معتقد به فرشته مقدسی بودند به نام (اوروزا) که صدمه زدن به گل و گیاه، موجب ناراحتی و خشم او می شد.

کوروش کبیر در سارد، باغ بزرگی ساخته و به دست خود در آن درخت کاشته بود. گرنفون در کتاب خود به نام (اکونومیگوس) نقل کرده است که کوروش شخصاً لیزاندر را به تماشای باغ خود در سارد برده است که لیزاندر از مشاهده زیبایی درخت ها، نظم و دقت فواصل آنها و مستقیم بودن ردیف ها، زاویه ها و روایح معطر و متعددی که هنگام گردش به مشام آن دو می رسیده، تحسین و تمجید می کند. باغ های هخامنشی دارای طرح های مستطیل دقیق با خیابان ها و درختان متقاطع بود.

سنگ نگاره های به جا مانده از دوران هخامنشی با درختان راست قامت، به خوبی اهمیت باغ در میان ایرانیان و نیز نظم هندسی موجود در باغ های ایرانی را نشان می دهند.

باغ در عصر شاهنشاهی ساسانیان نیز بر پایه اصول گذشته شکل می گیرد. ترکیب هندسی منظم، میان عرصه اصلی، خیابان های عمود بر هم و کرت های راست گوشه، باغ های بسیار وسیع بودند و با دقت طراحی و مراقبت می شدند و گاه نزدیک به ۲۵ کیلومتر مربع مساحت داشتند.



با توجه به معرفی مختصری از تاریخ باغ در ایران و همچنین نزدیکی به آغاز بهار، از این پس تا شمارگانی چند، به معرفی باغهای ایران می پردازیم:

باغ گلشن، بهشتی در دل کویر

مربع بزرگ تقسیم می کند. در هر سمت خیابان روی محور ورودی جوی آبی وجود دارد که در طرف داخلی یک ردیف بیدکوتاه موسوم به بید مشهدی (بیدفرنگی) کاشته شده است. گفته می شود: در گذشته در این ردیف گل گلاب وجود داشته است. و در کنار خارجی جویها ردیفهای درختان متعددی وجود دارد که اغلب آنها نارنج و خرم و تعدادی اقاقیاست. همین وقتی به سطح بالایی می رسد درختان آنجا اغلب خرما و بید است و محیط پر سایه ای را به وجود آورده اند. منتها در سطح بالا جوی آب از کنار باغچه میانی می گذرد و سپس به صورت آبشار به سطح پایین می ریزد. در دو طرف خیابان محور ورودی دو خیابان دیگر و به موازات آن قرار دارند که ردیف درختها آنها را از هم جدا می کند. در حاشیه خارجی آنها ردیف درختان نارنج و انار کاشته شده است. در مدونها بیشتر درختان، انار و مرکبات است و میوه های دیگر از قبیل آلو، زردآلو، گوجه و سیب به طور پراکنده وجود دارد. آب از انتهای باغ و در روی محور اصلی وارد باغ می شود و پس از آبیاری باغ از زیر هشتی ساختمان سر در گذشته و به شهر می رود.

درشاه نشین طرف چپ وسیله تقسیم و سنجش مقدار آب، که آن را در محل "پنگون" می نامند گذاشته شده است باغ، منظره دل انگیز و جاذبی دارد. از طرف داخل باغ و در دو طرف ورودی باغ دو راه پله به بالا می رود. وقتی از راه پله شرقی بالا می رویم به سطح پشت بام طبقه هم کف می رسیم و می توانیم به داخل طبقه اول راه یابیم. در این قسمت پله دیگری که بسیار زیباست به بالا می رود و انسان را به پشت بام طبقه اول می رساند. این پله از کنار درخت خرمایی می گذرد که قبل از ساختمان سر در وجود داشته است و هنگام ایجاد ساختمان سر در، بنا بر سنتی که برای حفظ درختان خرما در طبس وجود دارد و قطع درختان خرما را منع می کند، آن را قطع نکرده اند. معلوم می شود که ساختمان سر در بسیار جوان تر از این درخت است. باغ دارای طرحی است که به احتمال زیاد در یک نخلستان پیاده شده است، زیرا درختان خرما در آن به صورت پراکنده وجود دارند و نظم قابل توجهی در آنها مشاهده نمی شود. خطوط اصلی طراحی باغ شامل دو خیابان است که یکی در محور ورودی و دیگری عمود بر آن قرار دارد و سطح باغ را به چهار

باغ گلشن طبس به وسیله میرزا حسن خان، سومین حاکم طبس، از سلسله خوانینی که به وسیله نادر شاه به حکومت طبس منصوب شدند ساخته شده است. با پرواز به روی شهر طبس دو عنصر اصلی شهر را که در دو انتهای خیابان گلشن قرار دارند کاملاً می توان دید. آنکه هسته اصلی شهر را می سازد قلعه طبس است، و در طرف دیگر که تقریباً شرق طبس است باغ گلشن قرار دارد. در داخل شهر طبس وقتی به انتهای شرقی خیابان گلشن طبس نگاه می کنیم نقطه مشخصی انتهای خیابان را می بندد و خطوط موازی این خیابان را که عرض آن نسبت به طولش قدری باریک است ختم می کند. این نقطه، باغ گلشن است. هر قدر که در خیابان گلشن پیش برویم به وضوح بیشتری می رسیم و کم کم ساختمان سر در باغ نمایان می شود و به صورت هدفی در می آید که انسان را به طرف خود می کشاند. وقتی از در داخل می شویم به یک هشتی می رسیم که قسمتهایی از دیوارهای آن با آجر نماسازی شده است. آب شهر از زیر کف این هشتی می گذرد و روی آن در وسط هشتی باز است. منتها یک شبکه فلزی بر روی آن گذاشته اند صدای ملایم حرکت آب شنیده می شود و رطوبت آن در فضای هشتی می پیچد،



در امتداد محور طولی استخر سه فواره سنگی وجود دارد. حرکت امواج حاصل از ریزش آب، روی سطح استخر را شکل می دهند و انگار که این ماده حیاتبخش را با هیاهو به سوی انسان تشنه و منتظر کنار استخر می فرستد و انسان را در حرکت و طراوت خود شریک می سازند.

گاه چنین غوغایی را حرکت آرام پلیکانی که در این باغ زندگی می کند و این استخر محل آبتنی او می باشد، بر هم می زند. با توجه به اینکه این نوع پرند بومی این منطقه نیست وجودش این باغ را جالبتر نموده است.

به هر حال آن چنان در این باغ برای خودش جا باز کرده و معروف شده است که عده ای این باغ را باغ پلیکان می نامند و مردم برای دیدن پلیکان به این باغ می آیند. چند سال قبل از زلزله طبس فیلمی به نام (پ مثل پلیکان) تهیه شده که قسمتی مهمی از آن در باغ گلشن طبس به خصوص در استخر و با پلیکانش می گذرد.

گرچه مدت زیادی از تهیه این فیلم نمی گذرد ولی چون منجر به ثبت قسمتهای از این باغ شده است قابل توجه می باشد. قرار گرفتن باغ گلشن در سطح شیب دار یکی از ویژگیهای باغ های ایرانی است که سهولت در آبیاری باغ را نیز تأمین می کند. اختلاف سطح باغ در این قسمت به وسیله سطح شیب دار در فاصله بین دو آبشار با گل اطلسی به صورت پله پله گلکاری شده، ولی در سایر قسمتها به جای گل باچیدن سنگهای رنگینی آراسته و تزیین شده که به باغ طرح و رنگ داده است بدون اینکه نیاز به آب باشد.

این قسمت از قسمتهای مشخص باغ گلشن طبس است.

در باغچه های دو طرف خیابان محوری، و در دو کنار باغچه بزرگ وسط، و همچنین در قسمتهایی از باغچه بزرگ، گلهای شب

بو، همیشه بهار، اطلسی کاشته شده است

در سالهای اخیر در قسمت نزدیک به ساختمان سردر تعدادی گل رز در باغچه وسط کاشته شده است که مناسب این باغ تاریخی نمی باشد.

به اظهار سالخوردگان طبس گلهای دیگری نیز مثل گل تاج خروس، گل رشتی و به فراوانی گل گلاب (گل محمدی) وجود داشته است که از آنها گلاب می گرفته اند. گل نسترن سفید (مشگیجه) و صورتی از جمله گلهای این باغ بوده است. در خیابان عمود بر محور اصلی و به قریه محور اصلی و نزدیک استخر آلاچیق های چوبی چند وجهی وجود داشته که روی آنها را گل نسترن پوشانده بود، و در داخل آنها نیمکتهایی برای نشستن پیش بینی شده بود.

این آلاچیق ها را در باغ گلشن "بازار چوبی" می گفته اند.

وقتی از باغ گلشن خارج می شویم مجدداً از هشتی ورودی می گذریم.

در حالی که از دیدن این باغ زیبا آرامش یافته و نیروی تازه ای گرفته ایم.

خانم گدار، همسر آندره گدار، معمار فرانسوی، باغ گلشن طبس را چنین وصف می کند: "در این باغ حوضی بزرگ با فواره های متعدد وجود دارد که آب یعنی این ماده گرانبها را مانند تحفه ای به آسمان می فرستد. باید به وضع شرق بخصوص آسیای مرکزی کاملاً آشنا بود تا اهمیت باغ و آب را در چنین مناطقی درک کرد".

منبع: کتاب طبس شهری که بود...
تالیف، دکتر یعقوب دانشدوست

